



نقش شیوه‌های فرزند پروری در پیش بینی افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان

زینب خانجانی^{۱*}، بهمن اسماعیلی انامق^۲، مجتبی غلامزاده^۳

۱- دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

۳،۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۷

چکیده

مقدمه: سبک‌های تعامل والدین با کودکان و یا نوجوانان تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی و بروز برخی علایم روانپزشکی دارد، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین است.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای انجام این پژوهش، ۱۸۰ نفر از دانش آموزان مذکر شهر مرند به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزند پروری والدین Baumrind، پرسشنامه افکار اضطرابی Wales و وسواس فکری عملی Maudsley استفاده شد. داده‌های تحقیق با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

نتایج: تجزیه تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که علایم وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی رابطه مثبت معنی‌دار با شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه و رابطه منفی معنی‌دار با شیوه فرزند پروری مقتدرانه دارد. شیوه‌های فرزند پروری توانایی پیش‌بینی سطح علایم و وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی نوجوانان را دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که شیوه‌های فرزند پروری والدین از عوامل تاثیرگذار بر سلامت نوجوانان است. والدینی با شیوه فرزندپروری مقتدرانه، دارای فرزندان با افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری عملی پایین هستند.

واژه‌های کلیدی: علایم وسواس فکری عملی، افکار اضطرابی، شیوه فرزندپروری

* (نویسنده مسئول)؛ تلفن: ۰۹۱۴۳۰۱۶۰۱۱، پست الکترونیکی: zeynabkhanjani@yahoo.com

مقدمه

اختلال وسواسی- اجباری (Obsessive-Compulsive) اختلال روان شناختی نامتجانس است که با بازگشت تکرارهای افکار مزاحم، تصاویری که اضطراب و استرس و رفتارهای تکراری را فرا می‌خواند مشخص می‌شود. رفتارهای تکراری در اختلال وسواسی- اجباری به منظور کاهش استرس انجام می‌گیرد. وسواس اجباری و به همراه آن افکار اضطرابی به دلایل مختلف به وجود می‌آید که این دلایل می‌تواند شامل صدمه، آسیب، تجربه‌های جنسی، ساختار و روابط خانوادگی و موارد دیگر باشد (۱). تحقیقات گذشته اختلال وسواسی- اجباری را بررسی کرده‌اند، یافته‌های اپیدمیولوژی نشان می‌دهد که شیوع اختلال وسواسی- اجباری در طول زندگی تقریباً بین ۳/۵ تا ۱/۶ است (۲،۳). تحقیقات در طول چند دهه گذشته به صورت شگفت‌آور شناخت ما را از پدیده شناسی و درمان اختلال وسواسی- اجباری گسترش داده‌اند. امروزه بسیاری از مکانیزم‌ها و عامل‌ها در سبب شناسی اختلال وسواسی- اجباری وجود دارند که این مکانیزم‌ها و فاکتورها باعث دوام این اختلال در طول زندگی می‌شوند. برپایه‌ی تحقیقات زیستی که شامل مطالعات خانواده و دوقلوها است شواهد کافی بر نقش عامل‌های ژنتیکی در شکل‌گیری اختلال وسواسی- اجباری فراهم شده است (۴-۶). مطالعات همچنین نقش شماری از عوامل محیطی را در سبب شناسی اختلال وسواسی- اجباری یافته‌اند. مطالعه حاضر به بررسی نقش شیوه فرزند پروری والدین در افکار اضطرابی و علائم وسواسی- اجباری می‌پردازد. سلامت روانی کودک و نوجوان بخشی اساسی از سلامت و رفاه عمومی است. انتقال ارزش‌ها و فرهنگ و سلامتی کودکان از طریق تربیت صورت می‌گیرد. بر اساس مطالعات انجام شده سبک تربیتی والدین یک عامل مهم پیش‌بینی کننده در سلامت فرزندان است. برخی عوامل مربوط به والدین که بر تحول کودکان تاثیر می‌گذارد شامل گرمی و پذیرش و کنترل رفتاری کودکان است. سطح بالای گرمی و پذیرش از خصوصیات والدینی است که علاقه‌مند به کودک و مسئولیت‌پذیر هستند. سطح بالای کنترل رفتاری از خصوصیات والدین متوقع و دیکتاتور است (۷).

Baumrind در زمینه شیوه فرزند پروری تحقیق‌های گسترده‌ای انجام داده است و نشان داده است که شیوه فرزند پروری والدین دو بعد گرمی، کنترل دارد شیوه فرزند پروری والدین از این دو جهت با هم در تفاوت هستند. Baumrind بر اساس تحقیقات‌اش سه شیوه فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه را تشخیص داده است که براساس ابعاد گرمی و کنترل باهم در تفاوت هستند (۸). والدین سهل‌گیر سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری پایین دارند، این والدین اجازه می‌دهند که کودکان بر طبق میل‌شان و با کمترین نظم و انضباطی رفتار کنند. والدین مستبد پایین‌ترین گرمی و پذیرش و سطح بالای کنترل رفتاری دارند، این والدین بسیار سخت‌گیر و به جای قوانین به معیارهای محدود خودشان می‌چسبند والدین مقتدر سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری دارند راهنمایی‌های منطقی کودکان و نوجوانان از ویژگی‌های سبک والدینی مقتدرانه است. تحقیقات اولیه در این زمینه توسط Baumrind انجام گرفته است که سایر محققان، تحقیقات در این حوزه را گسترش دادند و در تحقیقات‌شان به شماری از پیامدهای منفی و مثبت شیوه فرزند پروری والدین با کودکان و نوجوانان اشاره کردند (۸-۱۱). شیوه فرزندپروری مستبدانه در ارتباط با شماری از پیامدهای منفی مانند انعطاف‌پذیری پایین، عزت نفس پایین، کاهش شادمانی، انگیزش پیشرفت پایین، افزایش سومصرف مواد، فقدان راهبرهای مقابله‌ای مناسب و افزایش اضطراب است (۱۴-۱۲). در مقابل شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه در مقایسه با شیوه فرزندپروری مستبدانه عموماً به پیامدهای مثبت می‌انجامد به هر حال در شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، نیز خود کنترلی پایین، مسئولیت‌پذیری پایین، انعطاف‌پذیری پایین و درجات تحصیلی پایین در کودکان و نوجوانان گزارش شده است (۱۵). از بین شیوه‌های فرزندپروری، شیوه فرزندپروری مقتدرانه در ارتباط با شادی، روان رنجور خوبی پایین، عزت نفس بالا، داشتن استقلال، درجات تحصیلی بالا، جرات مندی و استدلال اخلاقی بالا و برخی پیامدهای مثبت در ارتباط است. براساس نتایج تحقیقات قبلی شیوه فرزند پروری مقتدرانه به عنوان شیوه

و خواسته‌های نوجوانان نقش اساسی در حاصل شدن پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان دارد، در این پژوهش به بررسی نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در بروز علایم و رفتارهای وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی در نوجوانان پرداخته شد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی این سوال می‌پردازد که شیوه‌های فرزند پروری والدین چه تاثیری بر افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان دارد؟

روش بررسی

پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی است که بر طبق آن رابطه بین متغیرهای پژوهشی بدست می‌آید. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر مرنند در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند. نمونه مورد بررسی بر اساس جدول کرجی مورگان ۲۰۰ نفر از دانش آموزان شهر مرنند بودند که به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی دو مدرسه از بین مدارس پیش دانشگاهی شهرستان مرنند انتخاب شدند، سپس از هر مدرسه سه کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه اولیه بالغ بر ۲۰۰ دانش آموز بود که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های متعلق به ۱۸۰ دانش آموز تحلیل شد. در اجرای پرسشنامه‌ها، ضمن دادن اطمینان به آزمودنی‌ها، جهت محرمانه ماندن اطلاعات پژوهشی و اعمال برخی ضروریات اخلاقی پژوهش و جلب همکاری و مشارکت آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های گردآوری داده‌ها در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و توضیحاتی در مورد شیوه پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها داده شد. زمان اجرا هیچ محدودیتی نداشت. پرسشنامه دو بخش داشت که بخش شیوه‌های فرزند پروری بامریند پرسشنامه توسط والدین دانش آموزان و بخش مقیاس افکار اضطرابی و وسواس فکری و عملی پرسشنامه توسط خود دانش‌آموزان، تکمیل شد. با توجه به طرح پژوهشی حاضر، جهت تجزیه تحلیل داده‌ها روش آمار استنباطی مورد استفاده قرار گرفت که در آن برای پیدا کردن رابطه‌ی بین متغیرهای مورد مطالعه از روش همبستگی پیرسون، برای پیش بینی تغییرات متغیر ملاک از روش رگرسیون چندگانه همزمان

فرزند پروری ایده‌ال در رشد و تکامل کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود (۱۲،۱۳،۱۶،۱۷). تحقیقات پیشین شیوه‌های فرزندپروری والدین را به طیف گسترده‌ی پیامدها ارتباط می‌دهند. در تعداد کمی از تحقیقات به بررسی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته‌اند. تحقیقات اولیه‌ای که در مورد ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته‌اند بیشتر به صورت ناهماهنگ است، گرچه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد والدینی که دارای خصوصیتی مانند داشتن حمایت بیش از حد، توقعات زیاد، باریک بینی و حساسیت زیاد هستند، دارای فرزندی هستند که سطح بالای علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی دارند (۱۸،۱۹). Ehiobuche به این نتیجه رسید که والدین افراد دارای وسواسی- اجباری در مقایسه با والدین گروه نرمال، فقدان عواطف و گرمی و کنترل رفتاری زیادی نسبت به نوجوانان داشتند (۲۰). Alonso و همکاران گرمی و عطوفت پایین را در والدین افراد مبتلا وسواسی اجباری گزارش کردند (۲۱). نتایج مطالعه Gandomani و همکاران نشان داد که میزان افسردگی و اضطراب پایین در ارتباط با داشتن والدین مقتدر است (۲۲). Golfazani و همکاران در مطالعه‌ای یافتند که مادران کودکان عادی در مقایسه با والدین کودکان دارای افسردگی، اضطراب، وسواس- اجباری شیوه فرزند پروری والدین مقتدرانه داشتند (۲۳). Kenni و همکاران در باره ساختار خانواده بر کنش روانی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های عاطفی والدین تاثیر بسزایی در سلامت روانی دانشجویان دارد (۲۴). موضوع تحقیق حاضر ارتباط شیوه‌های فرزند پروری والدین با افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری- عملی در کودکان است، تحقیق حاضر از تحقیقات تکمیلی در ادامه تحقیقات مقطع کودکی است. به لحاظ اینکه علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی همراه آن در افراد، تاثیر مهمی بر رضایت از زندگی و سازگاری‌های فردی با محیط زندگی دارد و از بعد دیگر با توجه به اینکه نوع شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های تربیتی و پاسخ‌دهی به تقاضاها

استفاده شد.

پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری: پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری در سال ۱۹۷۲ توسط Baumrind طراحی شد شامل ۳۰ عبارت است که ۱۰ عبارت آن به شیوه مستبدانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه مقتدرانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه سهل‌گیرانه مربوط می‌شود. با جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوه یک نمره بین ۴۰ تا ۴۰۰ برای هر سطح شیوه‌های فرزندپروری به دست می‌آید. به عبارت دیگر هر والد در این پرسشنامه دارای سه نمره‌ی مجزا می‌باشد. در پژوهشی که توسط Esfandiari انجام شد پایایی آزمون بر روی نمونه‌ای از مادران جمعیت مورد مطالعه به شیوه باز آزمایی و با فاصله زمانی یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش شد. هم چنین روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی مورد تایید قرار گرفت (۲۵).

پرسشنامه افکار اضطرابی: پرسشنامه‌ی افکار اضطرابی Wales، یک ابزار چند بعدی در مورد نگرانی است. این پرسشنامه آمادگی برای نگرانی اجتماعی، نگرانی بهداشت و فرانگرانی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه‌ی افکار اضطرابی ۲۲ آیتم دارد که به هر سوال با یک مقیاس چهار درجه‌ای «تقریباً هرگز»، «گاهی اوقات»، «اغلب اوقات» و «تقریباً همیشه» پاسخ داده می‌شود. Wales ضرایب آلفای کرونباخ نگرانی اجتماعی را ۰/۸۴، نگرانی بهداشتی ۰/۸۱ و فرا نگرانی را ۰/۷۵ گزارش کرده است. ضریب پایایی باز آزمایی بعد از یک‌ماه برای خرده مقیاس‌های نگرانی اجتماعی، نگرانی بهداشتی و فرانگرانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۴، ۰/۷۷ می‌باشد. ضریب همبستگی نگرانی اجتماعی ($r=0.63$)، نگرانی بهداشتی ($r=0.36$) و فرانگرانی ($r=0.68$) با مقیاس اضطراب صفت Spielberger معنی‌دار گزارش شده است ($p<0.01$) (۲۶). نسخه فارسی این آزمون توسط فتی، موتابی و ضیائی در یک نمونه ۷۰۳ نفری از دانشجویان بررسی شد. پایایی درونی زیر مقیاس‌های فرم فارسی برای سه زیر مقیاس نگرانی اجتماعی، نگرانی نسبت به سلامتی و فرانگرانی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۳ و

۰/۷۷ و پایایی آزمون- بازآزمون برابر آزمون برابر ۰/۷۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۰ بوده است (۲۷).

پرسشنامه وسواس فکری و عملی: پرسشنامه وسواس فکری و عملی Maudsley توسط Hajson و Rakman به منظور پژوهش در مورد نوع و حیطه مشکلات وسواس تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است Hajson و Rakman در پژوهشی با چهار بیمار نشان دادند که نمره کل این پرسشنامه نسبت به تغییرات درمانی حساس است. در کل ثابت شده است که پرسشنامه‌ی وسواسی Maudsley ابزار مناسبی برای درمانگران و پژوهشگران در رابطه با پیامد درمانی است. همچنین این پرسشنامه وسیله خوبی برای بررسی سبب‌شناسی سیر و پیش‌آگهی انواع مختلف شکایت‌های وسواسی می‌باشد. ضریب پایایی با روش باز آزمایی ۰/۸۹ بوده است (۲۶).

تجزیه تحلیل داده‌های به دست آمده به کمک نرم افزار SPSS-16 انجام شده است.

نتایج

به منظور بررسی اهداف تحقیق از ضریب همبستگی و رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جداول ۱ تا ۳ ارائه شده است.

ضرایب همبستگی سبک شیوه فرزندپروری والدین با علایم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی حاکی از وجود روابط معنادار علایم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی با سه سبک شیوه فرزندپروری است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط شیوه فرزندپروری مقتدرانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=-0.79$) و افکار اضطرابی ($r=-0.74$) به صورت منفی و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی‌دار است و ارتباط شیوه فرزندپروری مستبدانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=0.60$) و افکار اضطرابی ($r=0.52$) به صورت مثبت و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی‌دار است و ارتباط شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با علایم وسواس فکری و عملی ($r=0.55$) و افکار اضطرابی ($r=0.47$) به صورت مثبت و با ۹۹ درصد اطمینان ($p<0.01$) معنی‌دار است (جدول ۱).

جدول ۱: ضرایب همبستگی افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری - عملی با شیوه های فرزند پروری والدین

متغیرها	فرزند پروری مقتدرانه	فرزند پروری سهل گیرانه	فرزند پروری مستبدانه
افکار اضطرابی	**-.۰/۷۴۱	**۰/۴۷۲	**۰/۵۲۳
وسواس فکری عملی	**-.۰/۷۹۲	**۰/۵۵۶	**۰/۶۰۱

** سطوح معنی داری در سطح $P < 0.01$

بر اساس خلاصه نتایج تحلیل واریانس، به طور کلی شیوه های فرزندپروری والدین، توان پیش بینی مناسب در سطح ($p < 0.01$) برای سطوح وسواس فکری و عملی دارد. شیوه های فرزندپروری در مجموع (0.64) درصد وسواس فکری و عملی را تبیین می کند. ضریب بتای سبک والدینی مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب (-0.696)، (0.148)، (-0.39) است. از بین شیوه های فرزندپروری، تنها شیوه فرزندپروری مقتدرانه با 99 درصد اطمینان از توان پیش بینی بالا و معنی داری برخوردار است (جدول ۲).

بر اساس خلاصه نتایج تحلیل واریانس، به طور کلی شیوه های فرزندپروری والدین، توان پیش بینی مناسب در سطح ($p < 0.01$) سطوح افکار اضطرابی را دارد. شیوه های فرزندپروری در مجموع (0.554) درصد افکار اضطرابی را تبیین می کند. ضریب بتای شیوه فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب (-0.699)، (0.170)، (-0.111) است. از بین شیوه های فرزندپروری به ترتیب، تنها سبک والدینی مقتدرانه با 99 درصد اطمینان از توان پیش بینی بالا برخوردار است (جدول ۳).

جدول ۲: تحلیل رگرسیون همزمان علایم وسواس فکری-عملی بر حسب شیوه های فرزند پروری والدین

مدل	(B)	خطای انحراف معیار (SE)	بتا (β)	(T)	سطح معنی داری (P)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل یافته
فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۶۱۵	۰/۰۵۳	-۰/۶۹۶	-۱۱/۶۴۴	۰/۰۰۰	۰/۶۴۰	۰/۶۳۴
فرزند پروری مستبدانه	۰/۱۵۲	۰/۰۹۱	۰/۱۴۸	۱/۶۷۴	۰/۰۹۶		
فرزند پروری سهل گیرانه	-۰/۰۲۸	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۹	-۰/۳۶۴	۰/۷۱۶		

جدول ۳: تحلیل رگرسیون همزمان علایم افکار اضطرابی بر حسب شیوه های فرزند پروری والدین

مدل	(B)	خطای انحراف معیار (SE)	بتا (β)	(T) t	سطح معنی داری (P)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل یافته
فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۹۲۰	۰/۰۸۸	-۰/۶۹۹	-۱۰/۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۵۵۴	۰/۵۴۶
فرزند پروری مستبدانه	۰/۲۰۹	۰/۱۵۱	۰/۱۷۰	۱/۳۸۴	۰/۱۶۸		
فرزند پروری سهل گیرانه	-۰/۱۲۰	۰/۱۲۸	-۰/۱۱۱	-۰/۹۳۷	۰/۳۵۰		

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین و افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان در جمعیت عادی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که شیوه های فرزندپروری والدین با

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین و افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان در جمعیت عادی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که شیوه های فرزندپروری والدین با

افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی نوجوانان مرتبط است. نوع شیوه‌های فرزندپروری والدین انواع پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان به بار می‌آورد که در سلامت روانی نوجوانان موثر است. از جمله پیامدهای منفی شیوه‌های ناکارآمد فرزندپروری والدین، میزان بروز افکار اضطرابی بیشتر و سطح علایم وسواس فکری و عملی بالا است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از بین سه نوع شیوه فرزندپروری والدین، والدینی که دارای شیوه فرزندپروری مقتدرانه هستند نوجوانان‌شان از پایین‌ترین مقدار افکار اضطرابی و علایم وسواس فکری و عملی برخوردارند، والدینی که در ارتباط با نوجوانان از شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه استفاده می‌کردند نوجوانان این والدین از سطح بالای افکار اضطرابی و بروز علایم وسواس فکری و عملی برخوردارند. زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. اکثر مشکلات فکری اضطرابی کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات اضطرابی کودک با روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر و روش‌های تربیتی نادرست والدین ارتباط دارد. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که پیامدهای شیوه‌های فرزندپروری والدین در طیف‌های گسترده است. در تعداد کمی از تحقیقات به بررسی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی پرداخته‌اند. نتایج تحقیقات اولیه‌ای که در مورد ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین با علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی انجام شده است، به صورت ناهماهنگ است. در این زمینه همسو با نتایج پژوهش حاضر Frost و همکاران، Steketee و همکاران در پژوهشی یافتند که والدینی که دارای خصوصیتی مانند داشتن حمایت بیش از حد، توقعات زیاد، باریک بینی و حساسیت زیاد هستند دارای فرزندان هستند که سطح بالای علایم وسواسی- اجباری و افکار اضطرابی دارند (۱۸، ۱۹). Ehiobuche در پژوهشی یافت که والدین افراد دارای وسواسی- اجباری در مقایسه با والدین گروه نرمال، فقدان عواطف و گرمی و کنترل رفتاری زیاد داشتند که

نتایج پژوهش حاضر را تایید می‌کند (۲۰). Alonso و همکاران نیز گرمی و عطوفت پایین را در والدین افراد مبتلا وسواسی- اجباری گزارش کردند که نتایج پژوهش حاضر را تایید می‌کند (۲۱). نتایج مطالعه Gandomani و همکاران نیز نشان داد که میزان افسردگی و اضطراب پایین در ارتباط با داشتن والدین مقتدر است (۲۲). Golfazani و همکاران همسو با نتایج پژوهش حاضر در مطالعه‌ای یافتند که مادران کودکان عادی در مقایسه با والدین کودکان دارای افسردگی، اضطراب، وسواس- اجباری، سبک والدینی مقتدرانه داشتند (۲۳). تحقیقات انجام گرفته توسط Levey در سال ۱۹۴۳ (نقل از ۲۸) نیز نشان داده که بکارگیری هر دو شیوه فرزندپروری مسلط و سهل‌گیر توسط مادران منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه، گرایش‌های ضداجتماعی و همچنین اضطراب و افسردگی می‌شود. نتایج پژوهش Hossein-Pour نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین اضطراب دانش‌آموزانی که مادران سخت‌گیر دارند با دانش‌آموزانی که مادرانی قاطع و اطمینان‌بخش دارند تفاوت معناداری وجود دارد و بین استرس دانش‌آموزانی که مادرانی سهل‌گیر دارند با دانش‌آموزانی که مادرانی قاطع و اطمینان‌بخش دارند تفاوت معنی‌داری وجود دارد (۲۹). در تضاد با نتایج تحقیق حاضر، Bigham (۳۰) در پژوهشی با عنوان بررسی همه‌گیرشناسی اختلال وسواس‌جبری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر کاشان و ارتباط آن با شیوه‌های فرزندپروری به این نتیجه دست یافت که بین ابتلا به اختلال وسواس‌جبری و شیوه‌های فرزندپروری اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی از نظر آماری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. در پژوهش Rahmati، تفاوت میزان وسواسی اجباری دختران در سه شیوه فرزندپروری از لحاظ آماری معنی‌دار بود (۳۱). Freud با دیدگاه نظری خود (۱۹۷۰) تاثیر شیوه‌های فرزندپروری و ارتباط آن با اختلال‌روانی را در مقاله‌ی اولیه خود مطرح نمود، Freud سبک یا منش وسواسی- جبری را به آموزش سخت‌گیرانه‌ی آداب توالی، در دوره مقعدی نسبت داد و این سبک شخصیتی را منش مقعدی نام نهاد (۳۰). در تبیین اینکه فرزندپروری مقتدرانه بیشتر با افکار اضطرابی و علایم

آنها همت گماشت. همان‌گونه که اشاره شد، هر یک از این شیوه‌ها اثراتی بر سلامت کودکان دارند که در این میان شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه اثرات مخرب و منفی دارند. آن چه اهمیت دارد این است که طبق تحقیقات انجام گرفته، بهترین شیوه فرزندپروری، شیوه مقتدرانه است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل کننده و مقتدر هستند. این شیوه به فکر و سلامت فرزندان کمک می‌کند و همچنین تاثیر کمی بر آزادی‌های فردی کودکان دارد. این شیوه باعث می‌شود که کودکان با کفایت، واقع‌گرا، دارای اعتماد به نفس، فعال، خود نظم بخش باشند. در کل براساس تحقیقات گذشته و نتایج مطالعه‌ی حاضر می‌توان مطرح کرد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه در ارتباط با افکار اضطربی و علایم وسواس فکری و عملی پایین و شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه در ارتباط با افکار اضطربی و علایم وسواس فکری و عملی سطح بالا است.

سیاسگزاری

از همکاری مسئولین محترم دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی و اداره آموزش و پرورش مرنند و دانش‌آموزانی که در این مطالعه شرکت نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

وسواسی جبری پایین در ارتباط است می‌توان به ویژگی‌های شیوه فرزندپروری مقتدرانه اشاره کرد، فرزند پروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌دهی مناسب والدین مشخص می‌گردد، والدین مقتدر مقررات برای فرزندشان وضع می‌کنند و برای اجرای آنها پافشاری می‌نمایند فرزندشان را تشویق می‌کنند که مستقل باشند (۱۱،۳۲،۳۳). والدین مقتدر فرزندان خود را هدایت و کنترل می‌کنند، با استدلال منظور خود را روشن و صریح بیان کرده و فرزندان را در دستیابی به اهدافی که خود برای آنها تعیین کرده‌اند کمک و هدایت می‌کنند و نسبت به موفقیت‌های فرزندان‌شان واکنش مثبت نشان می‌دهند (۱۱). در مطالعه‌ای که با هدف ارزیابی چارچوب نظری تئوری بامریند، توسط Limbourne و همکاران (۱۹۹۱) صورت گرفت، مشخص شد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان اقتدار منطقی طبقه‌بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در مقیاس کفایت اجتماعی و کمترین نمره را در مقیاس اختلال روان‌شناختی و رفتاری کسب کردند (نقل از ۲۵). بر این اساس شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تامین سلامت روانی فرزندان آنها دارد. در سایه ارتباط سالم است که می‌توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تامین و ارضای

References:

- 1- McKay D, Abramowitz JS, Calamari JE, Kyrios M, Radomsky A, Sookman D, et al. *A critical evaluation of obsessive-compulsive disorder subtypes: symptoms versus mechanisms*. Clin Psychol Rev 2004; 24(3): 283-313.
- 2- Angst J, Gamma A, Endrass J, Goodwin R, Ajdacic V, Eich D, et al. *Obsessive-compulsive severity spectrum in the community: prevalence, comorbidity, and course*. Eur Arch Psychiatry Clin Neurosci 2004; 254(3): 156-64.
- 3- Kessler RC, Berglund P, Demler O, Jin R, Merikangas KR, Walters EE. *Lifetime prevalence and age-of-onset distributions of DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey Replication*. Arch Gen Psychiatry 2005; 62(6): 593-602.
- 4- van Grootheest DS, Cath DC, Beekman AT, Boomsma DI. *Twin studies on obsessive compulsive disorder: a review*. Twin Res Hum Genet 2005; 8(5): 450-58.

- 5- van Grootheest DS, Cath DC, Beekman AT, Boomsma DI. *Genetic and environmental influences on obsessive-compulsive symptoms in adults: a population-based twin-family study*. Psychol Med 2007; 37: 1635-44.
- 6- van Grootheest DS, Bartels M, van Beijsterveldt CE, Cath DC, Beekman AT, Hudziak JJ, et al. *Genetic and environmental contributions to self-report obsessive-compulsive symptoms in Dutch adolescents at ages 12, 14, and 16*. J Am Acad Child Adolesc Psychiatry 2008; 47(10): 1182-8.
- 7- Rapee RM. *Potential role of childrearing practices in the development of anxiety and depression*. Clin Psychol Rev 1997; 17(1): 47-67 .
- 8- Baumrind D. *Current patterns of parental authority*. Develop Psychol 1971; 4(1, pt 2): 1-103.
- 9- Ballash N, Leyfer O, Buckley AF, Woodruff-Borden J. *Parental control in the etiology of anxiety*. Clinical Child and Family Psychology Review 2006; 9: 113-33.
- 10- Barber BK, Stolz HE, Olsen JA. *Parental support, psychological control, and behavioral control: assessing relevance across time, culture, and method*. Monogr Soc Res Child Dev 2005; 70(4): 1-137.
- 11- Baumrind D. *The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*. J Early Adolescence 1991; 11(1): 56-95.
- 12- Furnham A, Cheng H. *Perceived parental behaviour, self-esteem and happiness*. Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol 2000; 35(10): 463-70.
- 13- Klein HA, O'Bryant K, Hopkins HR. *Recalled parental authority style and self-perception in college men and women*. J Genetic Psychol 1996; 157(1): 5-17.
- 14- Wolfradt U, Hempel S, Miles JNV. *Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behavior in adolescents*. Personality Individual Differenc 2003; 34(3): 521-32.
- 15- Dornsbusch SM, Ritter PL, Leiderman PH, Roberts DF, Fraleigh MJ. *The relation of parenting style to adolescent school performance*. Child Dev 1987; 58(5): 1244-57.
- 16- Boyes MC, Allen SG. *Styles of parent - child interaction and moral reasoning in adolescence*. Merrill-Palmer Quarterly 1993; 39(4): 551-70.
- 17- Steinberg L, Elmen JD, Mounts NS. *Authoritative parenting, psychosocial maturity, and academic success among adolescents*. Child Dev 1989; 60(6): 1424-36.
- 18- Frost RO, Steketee G, Cohn L, Griess K. *Personality traits in subclinical and non-obsessivecompulsive volunteers and their parents*. Behav Res Therap 1994; 32(1): 47-56.
- 19- Steketee GS, Grayson JB, Foa EB. *Obsessive-compulsive disorder: differences between washers and checkers*. Behav Res Therap 1985; 23(2): 197-201.
- 20- Ehiobuche I. *Obsessive - compulsive neurosis in relation to parental child -rearing patterns amongst the Greek, Italian, and Anglo-Australian subjects*. Acta Psychiatr Scandinavia Suppl 1988; 344: 115-20.

- 21- Alonso P, Menchon JM, Mataix-Cols D, Pifarre J, Urretavizcaya M, Crespo JM, et al. *Perceived parental rearing style in obsessive-compulsive disorder: relation to symptom dimensions*. Psychiatry Res 2004; 127(3): 267-78.
- 22- Saifi Gandomani MY, Kalantari-Meibodi S, Fatah, N. *Typology of family parenting style(combination of maternal and paternal parenting styles) and its effects on male adolescent's anxiety and depression boys: a new approach to parenting*. J Fundament Mental Health 2009; 11(3): 185-94.
- 23-Farzi Golfazani M, Mohammad Esmail E, Raufian Moghaddam F, Asgari Moghadam H. *Rearing styles of mothers of depressed, anxious obsessive- Compulsive and normal children: a comparative stud*. Res Exception Child 2003; 9(3-4): 265-88.
- 24- Kenny ME, Donaldson GA. *Contributions of parental attachment and family structure to the social and psychological functioning of first-year college student*. J Counseling Psychol 1991; 38(4): 470-86.
- 25-Esfandiari G. *Parenting style compared two groups of mothers of children with behavior disorders and the impact of parental education in reducing disorder*. MA [Thesis] Medical Psychology Research Institute, Tehran University; 1994. [Persian]
- 26- Abolghasemi A, Narimani M. *Psychological tests*. Rizwan Garden publication; 2006. [Persian]
- 27- Asadollahpour A, Fata L, Gharraee B. *Metacognitive anxiety and immediate and delayed judgment of learning:discovering the underlying mechanisms of anxiety in wells' theory*. Iranian J Psychiatry Clini Psychol 2011; 16(4): 412-19. [Persian]
- 28- Shamlu S. *Psychopathology*. 4 ed th. Tehran: Roshd; 1992. [Persian]
- 29- Hossein-Pour K. *Effect of maternal parenting style on the incidence of symptoms of anxiety. stress and depression, their children*. MA[Thesis]. Ferdowsi University; 2000. [Persian]
- 30- Bighm H. *The relationship between obsessive-compulsive disorder and authority of reasonable parenting, authoritarian and free investment*. MA[Thesis] Medical Psychology Research Institute of Tehran University 1998. [Persian]
- 31- Rahmati A, Etemadi A, Mehrabi S. *Compare rates of adolescent girls with mental disorders according to parental parenting style in Jiroft city high schools*. J Psychological Studies 2007;3(4): 9-24.
- 32- Lin CYC, Fu VR. *A comparison of child rearing practices among Chinese. immigrant Chinese, and Caucasian-American parents*. Child Dev 1990; 61(2): 429-33.
- 33-Nihira K, Mink IT, Meyers CE. *Home environment and development of slow-learning adolescents: Reciprocal relations*. Dev Psychol 1985; 21(5): 784-94.

The Role of Parenting Styles in Predicting Anxiety Thoughts and Obsessive Compulsive Symptoms in Adolescents

*Khanjani Z(PhD)^{*1}, Esmaeili Anamage B(MA)², Gholamzadeh M(MA)³*

¹*Department of Psychology, University of Tabriz, Iran*

^{2,3}*Child and Adolescent Clinical Psychology Department, University of Tabriz, Iran*

Received: 17 Jan 2011

Accepted: 20 Oct 2011

Abstract

Introduction: Parents interaction styles with children or teens have an important impact on shaping their character and mental health and the incidence of some psychiatric symptoms. The aim of this study was to predict anxiety thought and obsessive - compulsive symptoms of the adolescents based on parents' parenting styles.

Methods: This was a descriptive study. 180 male students in Marand were selected by cluster random sampling. We used Baumrind parents parenting style questionnaire, Wales anxiety thoughts questionnaire and Maudsley obsessive- compulsive questionnaire. Data was analyzed by Pearson's correlation test and multiple regression analysis.

Results: Data analysis showed that obsessive- compulsive symptoms and anxiety ideas were positively related to the authoritarian and permissive parenting styles and negatively related to authoritative parenting style. Parenting style is able to predict the level of obsessive - compulsive symptoms and adolescent anxiety ideas.

Conclusion: The results showed that parents' parenting style is one of the influencing factors on adolescent health. Parents with authoritative parenting style, have the children with lower obsessive - compulsive symptoms and anxious thoughts.

Keywords: Obsessive - Compulsive Symptoms, Anxious Thoughts, Parenting Style

This paper should be cited as:

Khanjani Z, Esmaeili anamage B, Gholamzadeh M. *The role of parenting styles in predicting anxiety thoughts and obsessive compulsive symptoms in adolescents.* J Shahid Sadoughi Univ Med Sci; 20(1): 39-48.

***Corresponding author: Tel: +98 9143016011, Email: zeynabkhanjani@yahoo.com**